

# بازدارندگی: دوراهبرد

علی رضا فرشیچی<sup>(۱)</sup>

## مقدمه

بازدارندگی، پیش از آن که در قالب سیاست، دکترین و استراتژی کشورهای مطرح شود، در متن زندگی فردی و اجتماعی انسان نقش داشته است. بروز رفتارهای خاص برای دلسر کردن حریف، از دست یازیدن به اقدامی خصمانه و یا اتخاذ وضعیتی دفاعی برای گوشزد کردن این نکته که اقدام متجاوزانه، عواقب ناخوشایندی برای وی در پی خواهد داشت؛ حکایت از رفتار غریزی ای دارد که برای بقا، از سوی افراد و گروه‌ها و حتی جوامع بشری، سر می‌زند. بنابراین، شاید بتوان گفت بازدارندگی ریشه‌های فطری در رفتارهای انسانی دارد.

روند تکامل مفاهیم در طول تاریخ، روند فزاینده‌ای بوده است. و بنا به اهمیت و ضرورت مفهوم، سیر تحول و تکامل آن شتاب بیشتری به خود گرفته‌اند. بازدارندگی نیز که از بدو پیدایی خود با مسئله بقای جوامع انسانی گره خورده، از آن جمله است. به بیان دیگر، بازدارندگی به دلیل قرار گرفتن در حوزه امور مربوط به بقای افراد، گروه‌ها، جوامع و دولت‌ها روند تکاملی و روزافزونی را طی کرده است.

همچنین این مفهوم، به دلیل برخورداری از بسترها و ارتباطات کاربردی متنوع مانند جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و روابط بین‌الملل، هم‌پای با تحولات شکل گرفته و در تعامل با شرایط مختلف زمانی، در آن حوزه‌ها توسعه یافته است. توسعه یافتگی این مفهوم در مسیر گذارهای مختلف، موجب شکل‌گیری مفاهیم تازه‌تری شده که اغلب از ترکیب روش‌های مرسوم و پیشین بازدارندگی حاصل شده‌اند. برای مثال، آن‌چه امروز در غالب جنگ پیش‌دستانه برای بازداشتن یک تهدید مطرح می‌شود، به نظر می‌رسد ترکیبی از

راهبردهای آفندی و پدافندی در دکترین بازدارندگی باشد. البته چنین به نظر می‌رسد که این ترکیب -یعنی ترکیب آفند و پدافند در چارچوب و متن بازدارندگی- متناقض می‌نماید در حالی که باید این نکته را از خاطر دور نداشت که ترکیب گزینه‌های مرسوم و معارض پیشین، در عصر ابداع و نوآوری‌های امروز، خود رویکردی روشمند به حساب می‌آید.

جنگ برای صلح، سرکوب و سلطه برای آزادی، حمله برای بازداشتن از حمله، برهم زدن ثبات برای ثبات، ایجاد بحران برای مهار؛ و بسیاری از مفاهیمی از این قبیل، که توأمان به لحاظ صوری ماهوی متناقض می‌نمایند، مبنای استدلالی فراوانی را در صحنه عمل و در چالش ترکیب گزینه‌های مرسوم با خود به همراه داشته‌اند.

با توجه به تغییر و تحولات عمده‌ای که در محیط امنیت بین‌الملل به وجود آمده است، به نظر می‌رسد که مرزهای گذار از بازدارندگی به جنگ شکننده‌تر از گذشته شده باشند. چنان‌که کالین اس‌گری با نگاهی منتقدانه عنوان کرده است: «بازدارندگی راه‌حلی قدیمی برای حل مشکلات دیروز است»<sup>۱</sup>.

در این میان، رویداد یازده سپتامبر، به عنوان عامل شتاب‌دهنده تجدید نظر و بازاندیشی بسیاری از مفاهیم مرتبط با امنیت، استراتژی‌های مرسوم بازدارندگی را مورد پرسش قرار داد. آیا بازدارندگی برای اجتناب از جنگ همچنان که در دوران جنگ سرد شاهد آن بودیم، نقش مؤثر خود را حفظ خواهد کرد؟ آیا تعارض و تناقض جنگ پیش‌دستانه در امتداد بازدارندگی، مبنای استدلالی و منطقی منبعث از ماهیت بازدارندگی را حفظ خواهد کرد؟

(۱) محقق حوزه مسائل استراتژیک و جنگ ایران و عراق

## در مفاهیم بازدارندگی متعلق به دوران جنگ سرد و پیش از حادثه یازده سپتامبر، کم تر از جنگ سخن به میان آورده شده است، و بیشتر تأکید بر پیشگیری از آن بوده است، حال آن که در وضعیتی دو گانه، که حاصل از ترکیب گزینه های پیشین و خلق گزینه های جدید برای حل مسائل امروز است، جنگ نیز در جهت بازدارندگی تهدید، مورد توجه قرار می گیرد

اهتمام دارند، و در آنها گرایش به توسعه کمتر یافت می شود. به دیگر سخن، سازوکارهای پدافندی دفاعی، از جمله مشخصه های بارز آن محسوب می شود. همچنانکه مشاهده می شود در این نگرش، همخوانی ماهوی دفاع با بازدارندگی و تعاریف رایج آن بسیار زیاد است.

در روابط بین الملل، سیاست دلسرد ساختن متجاوز احتمالی را از دست یازیدن به عملی خصمانه، بازدارندگی گویند.<sup>۳</sup> بنابراین شاید بتوان گفت که بازدارندگی با تمهیدی از سازوکارهای دیپلماسی صلح جویانه، منطقی تر به نظر می رسد.

دیوید گارن هم روش های چهارگانه دستیابی به بازدارندگی را چنین بر می شمارد:<sup>۴</sup>

(۱) بازدارندگی از طریق تهدید دشمن به اعمال مجازات های سخت؛

(۲) بازدارندگی از طریق تحذیر، در قالب القای این تصور به دشمن: «از چنان قدرت دفاعی ای برخوردارید که تجاوز به آن بی ثمر خواهد بود»؛

(۳) بازدارندگی از طریق تجدید اطمینان. بدین معنا که تلاش شود تا سایر کشورها متقاعد گردند: «مقاصد مورد نظر شما، خطری را متوجه آن ها نمی کند»؛

(۴) بازدارندگی از طریق سازش و دادن امتیاز به دشمن، در ازای خودداری وی از دست یازیدن به اقدامی نامطلوب.<sup>(۱)</sup>

چهار روش اصولی دست یابی به بازدارندگی نیز در چارچوب مفاهیم مرسوم بازدارندگی، به ویژه مفاهیم مرتبط با بازدارندگی هسته ای، در دوران جنگ سرد تأثیر پذیر از نگاه

با علم به این نکته که بازدارندگی بیش از آن که در ارتباط با جنگ مطرح باشد، در مورد پیشگیری آن صدق می کند.<sup>۲</sup> پاسخ بدین پرسش ها مستلزم نگاهی به عناصر ذاتی الگوهای بازدارندگی و پارادیم های راهبردی برگرفته از آن، در شرایط کنونی محیط امنیت بین الملل است.

در مقاله حاضر، برای نیل بدین مقصود، ابتدا دو عنصر اصلی فرصت و تهدید، با تأکید بر قابلیت ها و رویکردها در چارچوب بازدارندگی، مورد توجه قرار می گیرد، و در ادامه، بر ضرورت تجدید نظر بر مفاهیم مرسوم بازدارندگی تأکید می شود، و در پایان، توسعه قابلیت های بنیادی پیشنهاد می گردد.

### بازدارندگی تهدید محور

در تدوین سیاست ها، دکترین ها و راهبردهای تهدید محور، نگرش غالب، نگاه به بیرون است. پرسش نخست در این نگاه بیرونی متوجه تهدید است. چیستی تهدید، توانایی ها، ظرفیت ها و قابلیت های آن، شاخص های اصلی سیاست؛ دکترین و راهبردهایی است که کشورهای قائل به تهدید محوری، در قدم اول، در پی یافتن پاسخ مناسب برای آن هستند. این شاخص ها در صورت بندی و ماهیت نگرش های تهدید محور، نقشی اساسی داشته و نگاه به درون در مرحله بعدی است که مطابق با نگاه به توانمندی ها، ظرفیت ها و قابلیت های خودی، آن هم کاملاً معطوف به شاخص های پیش گفته، شکل می گیرد.

نگرش های غالب تهدید محور، در امتزاج افق مقدرات با لبه های برنده تهدید، بیشتر به نوعی موازنه و خنثی سازی

(۱) کویت در مناقشات قبلی با عراق، بازدارندگی از طریق سازش و اعطای امتیاز را، تا اندازه ای با موفقیت اعمال کرد. برای مثال زمانی که حزب بعث عراق در سال ۱۹۶۳ به قدرت رسید، کویت و امی بدون بهره و ۲۵ ساله، و به مبلغ ۸۵ میلیون دلار در اختیار عراق گذاشت. البته این نکته را باید به خاطر داشت که روش سازش بازدارندگی تنها زمانی مؤثر خواهد افتاد که اهداف متخاصم محدود و قابل تحمل باشد.

## پاتریک مورگان

### در بیان معنی بازدارندگی می گوید:

«معنای بازدارندگی بر کسی پوشیده نیست؛

تهدید به وارد ساختن لطمات

برای ممانعت از عمل کسی که

مخالف اقدام وی هستید»

بازدارندگی به فعل برسانند.

برنارد برادی در اوایل دوره هسته ای معتقد بود: «تاکنون هدف اصلی سازمان های نظامی پیروزی در جنگ بوده است. اما از این مرحله به بعد هدف اصلی باید اجتناب از جنگ باشد. اصلاً هدف دیگری برای آن نمی توان تصور کرد.»<sup>۱</sup> شاید آرا و اندیشه هایی از این دست و در چارچوب نظریه بازدارندگی کلاسیک منطقی،<sup>(۲)</sup> زمینه های اصولی تری داشته باشند، لیکن در سیر تحول مفاهیم، و با در نظر گرفتن عوامل تأثیرگذار بر کارکردهای بازدارندگی، مستلزم تجدید نظر و بازاندیشی هستند.

نظام بین الملل پیش از سال ۱۹۳۹، نظامی چندقطبی محسوب می شد. اما پس از شکست آلمان ها و ژاپنی ها در سال ۱۹۴۵، چنین نظامی دیگر وجود نداشت. به عبارت دیگر، ناگهان نظام چندقطبی اروپا محور دنیا، به نظامی تحت سیطره دو ابرقدرت برآمده از حاشیه نظام کشوری اروپا مبدل شد<sup>۳</sup> و اغلب نظریات بازدارندگی کلاسیک در متن همین نظام دوقطبی شکل گرفت، و برای مدت بیش از ۴۵ سال رقابت بین دو ابرقدرت اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکا، ترسیم کننده روابط دنیایی بود، که ما در آن زندگی می کردیم.<sup>۴</sup>

در سال ۱۹۸۹ دیوار برلین فرو ریخت. و چند ماه بعد از آن امپراتوری شوروی در اروپای شرقی از هم پاشید. و در سال ۱۹۹۱ خود اتحاد جماهیر شوروی سقوط کرد.<sup>۵</sup> بدین ترتیب، نظریه بازدارندگی کلاسیک و مفاهیم مربوط به آن، با چالش روبه رو شد، و برخی اندیشمندان به افقی از صلح و ثبات نویدمان دادند و بعضی دیگر ما را در حسرت «ایام خوش گذشته» به تأمل نشانند.

تعارض نگرش های امیدوار و بیمناک نسبت به آینده در ترسیم خط مشی و راهبردهای ابرقدرت باقی مانده در صحنه (از نگاه به بیرون)، تهدید محوری (از نگاه به درون) و قابلیت محوری<sup>(۶)</sup> تأثیر به سزایی داشت و روند این تحولات بازدارندگی را نیز با چالش روبه رو ساخت. به عبارت دیگر می توان گفت: بازدارندگی در «بحران» قرار گرفت.<sup>۷</sup>

نگاه به بیرون و تهدید محوری، همچنان به حیات خود در روابط بین الملل ادامه می دهد و کماکان در شکل گیری ظرفیت ها و توانمندی ها و قابلیت های داخلی کشورها، مؤثر است. اما در مصاف، با اتکالی به توسعه قابلیت های داخلی و برای بازداشتن زمینه های گسترش، با تهدیداتی ناشناخته و با فضایی از عدم قطعیت و چالش های جدی روبه رو است.

به بیرون، ترسیم و اجرا می شدند. پاتریک مورگان<sup>(۱)</sup> در بیان معنی بازدارندگی می گوید:

«معنای بازدارندگی بر کسی پوشیده نیست؛ تهدید به وارد ساختن لطمات برای ممانعت از عمل کسی که مخالف اقدام وی هستید.»<sup>۶</sup>

در تعریف مورگان و سایر تعاریف مشابه که اغلب مربوط به دوران جنگ سرد می باشند، تهدید به وارد ساختن لطمه یا به عبارت دیگر، تهدید به حمله، حد نهایی سیاست بازدارندگی تلقی می شود. این روش بازدارندگی، متمرکز بر تهدیدی معین، با حدود و مرزهای مشخص، و با سازوکارهای شناخته شده، متصور است. حال این که، پارادکس عصر اطلاعات و بروز ابهامات و عدم قطعیت های فزاینده، به ویژه در عرصه روابط بین الملل و محیط امنیتی مربوط به آن، دست یابی به مشخصه های یاد شده را بیش از پیش دشوار ساخته است.

همان طور که مشاهده می شود، در مفاهیم بازدارندگی متعلق به دوران جنگ سرد و پیش از حادثه یازده سپتامبر، کم تر از جنگ سخن به میان آورده شده است، و بیشتر تأکید بر پیشگیری از آن بوده است، حال آن که در وضعیتی دوگانه، که حاصل از ترکیب گزینه های پیشین و خلق گزینه های جدید برای حل مسائل امروز است، جنگ نیز در جهت بازدارندگی تهدید مورد توجه قرار می گیرد.

نیروهای نظامی که بر اساس مفاهیم سنتی بازدارندگی به عنوان قابلیت بازدارنده مطرح بودند، اینک قرار است قابلیت خود را در صحنه درگیری و به شکل متناقض نمای در جهت

(1) Patrick Morgan

(2) Ratinal

(۳) اشاره به تغییر راهبرد امریکا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است، که از راهبرد تهدید محوری (Threat-Base Strategy) به راهبرد قابلیت محوری (Capability - Base Strategy) روی آورد.

## بازدارندگی قابلیت محور

هنگامی که چیستی تهدید، توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های آن؛ در پرده‌ای از ابهام قرار می‌گیرد و گمان غالب، به شکل‌گیری و صورت‌بندی و تغییر در ماهیت تهدیدات جدید می‌رود، جنبه‌های بازدارندگی اختصاصی که طیفی از تهدیدات معین را شامل می‌شوند. کم‌رنگ‌تر از گذشته شده و جنبه‌های بازدارندگی عمومی، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند.

افزایش تأثیر نقش آفرینان غیردولتی در عرصه روابط بین‌الملل، گسترش اطلاعات و فناوری‌ها، بروز نظریه‌های انتقادی و از میان رفتن برخی مرزهای مرسوم جغرافیایی؛ جملگی، نگاه به تهدید و بازشناسی ابعاد تازه آن را دشوار ساخته است.

اتخاذ رویکردهای مناسب برای مهار طیف تهدیدات جدید در (چارچوب سیاست بازدارندگی)، نیازمند دستیابی به نگرش‌های جامع‌تری است که از طریق رویکرد به قابلیت‌های موجود، و ایجاد ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها و توانمندی‌های جدید و چندمنظوره، ضمانت اجرایی بیابند.<sup>۱۱</sup> رویکرد قابلیت محور در متن سیاست بازدارندگی برای حفظ تأثیر بازدارندگی در مقابله با تهدیدات ناشناخته و عدم قطعیت فراینده، در رهیافتی غیرمستقیم<sup>(۱)</sup> ضمن آن که بسط قابلیت‌های درون‌کشوری را مورد توجه قرار می‌دهد، قابلیت‌های مؤثر بر شکل‌گیری تهدید را از شکل‌گیری باز می‌دارد. به دیگر سخن، تهدیدی که پیش از این در دوران جنگ سرد در مقام اقدام خصمانه دشمن متصور بود، اینک در جایگاه قابلیت محور، مورد توجه سیاست بازدارندگی است. این نکته شایان توجه است که، بازدارندگی مبتنی بر رویکرد قابلیت محور، همان‌طور که در کارکرد پدافندی خود، بازدارندگی از طیف وسیعی از تهدیدات را، شامل می‌شود، در بعد آفندی نیز طیف گسترده‌ای از قابلیت‌هایی را نیز که به تهدید منجر می‌شوند، نشانه می‌رود. بدین ترتیب و در شرایط کنونی، ترکیب ابعاد آفندی و پدافندی بازدارندگی، برای خارج شدن آن از آرشیو مفاهیم دوران جنگ سرد، مطرح خواهد شد.

در اسناد وزارت خارجه آمریکا، زیر عنوان بازدارندگی و دفاع موشکی آمده است:

«اکنون ما به استراتژی‌ای که مبتنی بر ترکیب مناسبی از قابلیت‌های آفندی و پدافندی باشد نیازمندیم تا بدان واسطه بتوانیم دشمنان احتمالی خود را از فرصت‌ها و منافع که ممکن است به دست بیاورند، محروم سازیم»<sup>۱۲</sup>

## حادثه یازده سپتامبر، ضرورت تجدید نظر در مفاهیم بازدارندگی را بیش از پیش آشکار ساخت؛ این ضرورت علاوه بر خود مفهوم بازدارندگی، مفاهیمی چون تحمیل، ممانعت، ترغیب، پیشگیری، و پیشدستی را در بر می‌گیرد

حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که در رویارویی دو راهبرد بازدارندگی تهدید محور و قابلیت محور، که در یکی ابعاد پدافندی بازدارندگی مدنظر قرار دارد و دیگری هر دو بعد آفندی و پدافندی؛ کدام یک از میزان اعتبار، تأثیر و نفوذ بیشتری برخوردار خواهد بود؟

برای یافتن پاسخ مناسب به این پرسش، باید به این نکته توجه داشت که مدل ترکیبی و عام قابلیت محور، به دلیل تنوع حوزه‌های هم‌پوشان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی؛ نسبت به مدل انحصاری و خاص تهدید محور، پارادایم فرصت‌تلقی می‌شود؛ پارادایمی که در آن بی‌اعتباری نفی و تحدید قابلیت دشمن احتمالی در کنار بسط و توسعه واقعی و مجازی قابلیت خودی معنی می‌یابد. از این رو، به نظر می‌رسد که مدل ترکیبی، از تأثیر بیشتری برخوردار باشد.

### نتیجه‌گیری

ماهیت بازدارندگی در دوران گذار خود، با توجه به مقتضیات زمانی، دچار تغییر و تحولات عدیده‌ای شده و نظریه بازدارندگی کلاسیک با تجدیدنظرهایی روبرو است. با وجود رویدادهایی که میزان اعتبار و کارایی این مفهوم را با سؤال روبرو می‌سازد، اما هیچ‌گاه ضرورت و اهمیت خود را از دست نداده است. حتی حادثه ۱۱ سپتامبر نیز بیشتر بحث تجدید نظر در مفاهیم سنتی بازدارندگی را دامن زده است، اگرچه برخی کارشناسان مسائل راهبردی غرب، فرض جایگزینی بازدارندگی را «با پیشدستی و پیشگیری» مطرح کرده‌اند.<sup>۱۳</sup>

مطرح شدن بحث جایگزینی مفهوم بازدارندگی با مفاهیمی چون پیشدستی، آن هم در متن افراطی جنگ

(1) Indirect Approach

## سیاست‌های ما

### در خصوص بازدارندگی،

### بازتابی از توانایی‌های تهدیدات

### پیش‌بینی شده است

### و اغلب در برگیرنده پاسخهایی

### برای پرسش‌هایی است که

### دشمنان شناخته شده

### مطرح ساخته‌اند

پاسخگویی به قابلیت‌های ما به بازتاب و انعکاسی از سیاست ما، در عرصه بازدارندگی مبدل شوند.

البته راهبرد قابلیت محور بازدارندگی و چگونگی بیان قابلیت‌ها در محیط امنیت بین‌الملل و مدیریت پندارها و تبعات حاصل از آن، دشواری‌های خاص خود را دارد. برای مثال، توجه رهیافت غیرمستقیم و ترکیب اقدامات آفندی و پدافندی این راهبرد، و بیان چگونگی بازداشتن طیفی از تهدیدات مبهم و ناشناخته و تخصیص منابع و ظرفیت‌های محدود به طیف گسترده‌ای از تهدیدات، دولتمردانی را که این راهبرد را اتخاذ کرده‌اند با مشکلات پیچیده‌ای روبرو خواهد ساخت.

در مقام مقایسه دو راهبرد مزبور، با توجه به فضای حاکم بر روابط بین‌الملل، در حوزه راهبردهای مربوط به بازدارندگی؛ شاید بتوان کنشگری منفعل را در تهدیدمحوری و کنشگری فعال را در قابلیت محوری، به عنوان روح حاکم بر این دو راهبرد تصور نمود.

پیش‌دستانه، که حکایت از غلبه تفکری سلطه طلب و گروهی که در متن رقابتی حاکمیت امریکا دارد؛ با توجه به رشد آگاهی‌های ملل جهان، نمی‌تواند تداوم داشته باشد. آثار اولیه جایگزینی مفاهیم مزبور در صحنه عمل، نزدیکی بیشتری با نظریه‌های جنگ فراگیر و خود جنگ دارد، تا صلح و ثبات و برحذر داشتن و برحذر بودن از آن.

دستیابی به بازدارندگی را می‌توان از طریق دو راهبرد تهدید محور و قابلیت محور متصور شد. در راهبرد تهدید محور اولویت با تأثیر توانمندی‌ها، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های دشمنان محتمل بر سیاست دکترین و راهبردهای ماست. به بیان دیگر، سیاست‌های مادر خصوص بازدارندگی، بازتابی از توانایی‌های تهدیدات پیش‌بینی شده است و اغلب در برگیرنده پاسخهایی برای پرسش‌هایی است که دشمنان شناخته شده مطرح ساخته‌اند. از آن جا که طرح پرسش نسبت به پاسخ، مقدم است و نیز طرح پرسش، ماهیتی محدود کننده در زمینه پاسخ‌گویی به وجود می‌آورد، به نوعی، اتخاذ کننده این راهبرد، از ابتکار عمل محروم می‌گردد. اگرچه این واقعیت را نمی‌توان کتمان کرد که اغلب دولتمردان ترجیح می‌دهند به دلیل آسانی توجه و روشنی تهدید، منابع موجود را به تهدیدات شناخته شده اختصاص دهند.

در راهبرد قابلیت محور، این تأثیر توانایی‌های موجود استعدادها خودی است، که برای بازداشتن طیف گسترده‌ای از تهدیدات پیش‌بینی شده و ناشناخته محاسبه شده است و اولویت می‌یابد. در این راهبرد می‌توان با اتخاذ رهیافت غیرمستقیم به نوعی از بیان قابلیت‌ها (اعم از واقعی و مجازی) دست یافت، که برای دشمنان احتمالی پرسش برانگیز باشد، و آن‌ها را وادار سازد با صرف منابع، برای

#### یادداشتها

1. Colin S. Gray, Maintaining Effective Deterrence, *Strategic Studies Institute*, August 2003, p.v.
2. *strategic Defence Review*, Deterrence and Disarmament, Chapter4, 2001, p.60.
3. Encarta Premium, Deterrence, *Online Encyclopdia*, 2004.
4. همان، صص ۱۶-۱۴ (با تلخیص).
5. گارن هام، دیوید؛ ضرورت‌های بازدارندگی، مترجم سعید کافی، دروه عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، ۱۳۷۹، ص ۱۴.
6. Brodie Bernard, *Abslute Weapon: Atomic Power and World Order* (New York: Harcourt, Brace, 1946), P.76.
7. Zagare Frank C., Kilgour D. Marc; *Perefect Deterrence*, Cambridge University Press, 2000, p.4.
8. *Ibid*, p.3.
9. *Ibid*, p.5.
10. S. Gray Colin, *Maintaining Effective Deterrence*, August 2003, p. VI.
11. S. Gray, August 2003, *Compelence, Dissuasion, Inducement, Preemption and Prevention*
12. *U.S. Department of State, Fact Sheet, Bureau of Arms Control*, Washington, DC, 2001.
13. Lovelace, JR Douglas C. *Director of Strategic Studies Insdies*, Forewords, August 2003, p.iii.